



توتمپرستی در آیینهای باستانی

با نگاهی گذرا به وضعیت اقوام ساده دنیای پیشین، به خوبی در می یابیم که در همه نقاط جهان مردم بعضی از امور و حوادث را سعد و بعضی را نحس می دانستند و این سعادت و نحوست بستگی به اتفاقاتی داشت که در حول و حوش آن امر اتفاق می افتاد.

توتمپرستی در آیینهای باستانی/خرافات مصر و روم باستان

با نگاهی گذرا به وضعیت اقوام ساده دنیای پیشین، به خوبی در می یابیم که در همه نقاط جهان مردم بعضی از امور و حوادث را سعد و بعضی را نحس می دانستند و این سعادت و نحوست بستگی به اتفاقاتی داشت که در حول و حوش آن امر اتفاق می افتاد. در مورد سیر تاریخی دین گفته اند: اجتماع انسانی در ابتدا متجانس و یکسان بوده و به اقتضای این وضع، به جانی یگانه عام اعتقاد داشت؛ اما به زودی از تجانس برکنار و دست خوش انقسام و انفراد شد و الزاما به جان های خاص متعدد اعتقاد پیدا کرد. مسلما اقوام ساده، موافق مقتضیات اجتماع خود جان ها را تشخیص بخشیدند و طبقه بندی کردند.

جان ها، شخصیت و صفت های انسانی به خود گرفته اند. برخی از آنها نیک و بعضی بد به شمار رفتند. پس خدایان و فرشتگان و نیز شیاطین پدید آمدند. چنان که در زمین افرادی برتر از دیگران هستند و سلسله مراتب وجود دارد، در آسمان نیز خدایان و فرشتگان و شیطان ها به ترتیب اهمیت خود - در سازمان هایی هم وار گرد می آیند.

معتقدات دینی اقوام ابتدایی با آنکه انعکاسی از روابط اجتماعی آنهاست، به نوبه خود در شئون گوناگون اجتماع اثر می گذارند و در همه کارهای اقتصادی و سیاسی و فکری رخنه می کنند. مردم ساده اندیش با خوف و اعجاب و تحسین عمیق به جامعه و بر روی هم به جهان می نگرند و با خلوص کامل، سنت های اجتماعی را می پرستند. این سنت پرستی یا تقدس، به صورت های گوناگون در می آید و با آنکه گرایش های فوق طبیعی را شامل می شود، به هیچ روی با آن گرایشها برابر نیست.

زندگی انسان اجتماعات ساده از تقدس یا سنت پرستی سرشار است و عوامل فوق طبیعی یا لاهوتی به ندرت در آن راه می یابند. دین او اساسا نوعی سنت پرستی و وسیله تثبیت سلوک اجتماعی است.

با نگاهی گذرا به وضعیت اقوام ساده دنیای پیشین، به خوبی در می یابیم که در همه نقاط جهان مردم بعضی از امور و حوادث را سعد و بعضی را نحس می دانستند و این سعادت و نحوست بستگی به اتفاقاتی داشت که در حول و حوش آن امر اتفاق می افتاد. از این رو برای زدودن نحوست امور نحس، به مراسمی خاص روی می آوردند و جهت تثبیت و سعادت مراسمی دیگر که اغلب به شکرگزاری بود اجرا می شد، حتی ریشه در اعتقادات و باورهای آنان داشت.

در چین باستان، مطابق مقولات اجتماع پر حرمت روستایی، خانه های خود را بس گرمی می داشتند و به پنج جای آن، به دیده احترام می نگریدند. این جاها که جاهای خوف آور هستند مورد حرمت بسیار قرار داشتند و مظاهر نیروهای مرموز زمین و سبب ساز کشاورزی محسوب می شدند.

از نظر آئینی نیز با اینکه کنفوسیوس خواستار دخالت فعالانه اراده انسان در امور اجتماع بود، لائوتسه خواستار انفعال و تسلیم و رضا بود و همه چیز را در هاله ای از رمز و راز می دید. لائوتسه می گفت: مردم باید از مسافرت و مهاجرت بپرهیزند و حتی از اجتماعات مجاور که صدای خروسان و سگ های آنان به گوش ایشان می رسد، دوری گیرند. لائوگرایی دنباله جادواندیشی و توتم گرایی چینیان ابتدایی است.

در هند نیز یکتاگرایی اصیل چینی در برابر دوگرایی آئین هندوست. هندوها میان جسم و روح و نیز ناسوت و لاهوت فرق فاحش می گذارند؛ کارما یا سرنوشت و سام سارا یا تولد مجدد، دو اصل این آئین هستند. همه هستی تابع سرنوشت است؛ روح یا نهاد اساسی، پس از مرگ تن، به فراخور اعمال نیک و بد پیشین خود با کالبدی نو، ظهور و حیات مجدد خود را آغاز می کند. برهمنان بر اثر عواملی مانند ریاست بر امور جادویی و دینی خود، منزلت اجتماعی والتری می یافتند.

در مصر نیز توتم پرستی رواج داشت. توتمیسم یکی از مظاهر بی جان یا جاندار طبیعت و مخصوصا جانور یا گیاهی را نیا یا اصل خود می انگارد و بر اثر این اعتقاد، نام توتم را بر خود می نهد. همواره یا گاهی از خوردن توتم خودداری می ورزد و با هم #171؛توتمان» خود، زناشویی نمی کند. در برخی از نقش و نگارهای مصری، در کنار تصویر انسان ها، صورت های صریح یا غیر صریح از قوش، ماده

گاو، فیل، بز کوهی و جز اینها را می بینیم؛ این علائم را باید زاده توتم گرایی دانست.

از نظر مصریان باستان، فرعون یا سلطان وقت به برکت اوزیرس بر مرگ غالب آمده و پس از مرگ نیز حافظ ملک خواهد بود. پس برای آنان مقابری هرمی بر پا می کردند و تمام وسایلی را که فردی در زندگی نیاز داشت، با همه خدم و حشم، در درون این مقابر قرار می دادند و اهرام بزرگ مصر نمونه هایی از این دست اعتقادات و باورهاست.

در خاور نزدیک نیز وضعیت به همان روال بود. چنانکه عبرانی هایی که در فلسطین امروزی زندگی می کردند، معتقد بودند: هر شخصی، شیء و حادثه ای دارای «ال؛ یا نیرو یا جانی خاص است. «ال؛ هر موجودی، بعل یا خداوندگار او شمرده می شد، اما «ال؛ها می توانند محل خود را ترک کنند و جانی عام گردند. «ال؛ها در محل های معینی، مانند جاهای بلند دوام می آوردند و در مواردی به وسیله غیبگو که بعداً به صورت کاهن در می آید، حفاظت می شوند.

هر کلان یا قبیله ای برای خود، خدایی اصلی داشت که نیای مشترک اعضای آن به شمار می رفت. اعضای کلان به منظور پرستش این خدا، در جاهای بلند، گرد می آمدند و به نیایش می پرداختند. در این مراسم، جانوری را قربانی می کردند و قطعه سنگی را به خون قربانی می آغشتند. آنان در اغلب مواقع نیز نیاکان خود را با نگاره هایی کوچک که «ترافیم؛ نام داشت، نیایش می کردند.

در روم باستان نیز رواقیان حکومت می کردند و سایر شئون اجتماعی را بی اهمیت می انگاشتند و انسان را به ترک بازار آشفته اجتماع می خواندند. رواقی گرایی نوید خلود اخروی هم نمی داد، از این رو به کار قاطبه مردم نمی خورد. پس مردم متعارف به آئین عارفانه فیثاغورسی و آئین های مرموز «الیویسیس؛ روی آوردند. بر همین شیوه، آئین اپیکور روس مقبول می افتاد. این آئین مردم را به لذت های بزرگ روحانی دعوت می کرد، ولی بسیاری از پیروان آن، به اقتضای هرج و مرج اجتماعی، دم را غنیمت شمردند و لذت های آنی جسمانی را پذیرا شدند.

با ورود ادیان متمدن، وضع جوامع انسانی نیز دستخوش تغییرات بنیادی گردید، با وجود اینکه حضرت موسی(ع) هنوز زنده و برای مدتی محدود از جمع یاران خارج شده، یکی از یاران نزدیک او بنام سامری، گوساله ای را علم کرد و مردم را از راه راست منحرف و به گوساله پرستی دعوت نمود. بعد از مرگ موسی، یهودیان به چند دسته فرقه تقسیم شدند: فرقه صدوقیان، فرقه سینیون، فرقه فریسی و فرقه زی لات.

فرقه سینیون را وجهی افراطی از فرقه فریسه شمرده اند، ولی بهتر آن است که مانند ژورفوس، این فرقه را فیثاغورسیان و رواقیان یهود و از یونانی گرایی متأثر بدانیم، دیگر فرق یهود هم که عمدتاً آواره و سرگردان بودند، به امید ظهور مسیح منتظر به زهد نشستند. با ظهور حضرت عیسی(ع) که مردم را به یکتاپرستی فرامی خواند، برخی از فرق یهودی به وی گرویدند. عیسی با مراسم خود فرد را به بخشایش الهی و رستگاری نهایی امیدوار می کرد. عیسویان با مراسمی رنج و مرگ و رستخیز برخی از خدایان یا ارباب انواع را نمایش می دادند. این آئین ها اساس عقلی سنجیده ای نداشته ولی به امید و آرامشی که به مردم می دادند، مورد قبول هزاران کس واقع می شدند.

در مراسمی که به تناوب برپا می داشتند، نخست با نمایش رنج و مرگ خدایان قهرمان، بینندگان را به سختی اندوهگین می گردانیدند و سپس با نمایشی رستخیز و غلبه او مردم را به حال جذبه ای خوشایند می انداختند، چندان که مردم برای تبرک یا بهره وری از عظمت خدا یا قهرمان خواستار نوشیدن خون او یا خوردن گوشت او می شدند؛ چنان که مهرپرستان در مراسم خود، به نشانه خدا، گاوی را می کشتند و با خون آن، خود را می شستند.